

«معماری داخلی» یا «طراحی داخلی»؛ تفاوتی اسمی یا ماهوی؟*

مریم دربندی^۱

نادیه ایمانی^۲

محمد رضا رحیم زاده^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۳۱

چکیده

«معماری داخلی» و «طراحی داخلی» دو عنوانی هستند که به دانش یا حرفه‌ای اطلاق می‌شوند که با سامان بخشی فضاهای داخلی سروکار دارد. قدمت به کارگیری نام «طراحی داخلی» حدود یک سده است، اما از ظهور رسمی نام «معماری داخلی» تنها چند دهه می‌گذارد؛ امروز هر دوی این عناوین چه در حوزه دانش و چه در حرفه به کار گرفته می‌شوند. با وجود تفاوت‌هایی که برخی از صاحب‌نظران میان طراحی داخلی و معماری داخلی قائل هستند، صاحب‌نظرانی هستند که این تفاوت را مکفی نمی‌پندارند و این دو عنوان را یکسان می‌دانند. گروه دیگری نیز اساساً با به کارگیری عنوان معماری داخلی مخالف هستند و به کارگیری آن را مسبب آسیب به عرصه امر طراحی فضاهای داخلی می‌دانند. هدف این مقاله، پرداختن به نسبت میان طراحی داخلی و معماری داخلی است. برای نیل به این هدف به مقایسه تعاریف موجود صاحب‌نظران پرداخته شده است. سپس با تحلیل شباهت‌ها و تفاوت‌های میان طراحی داخلی و معماری داخلی تفاوت اسمی یا ماهوی بین این دو نام بررسی شده است. نوع این پژوهش، کیفی و روش آن تحلیلی-تفسیری است. از این پژوهش این نتیجه حاصل شده است که با وجود تفاوت‌هایی که برخی از صاحب‌نظران میان طراحی داخلی و معماری داخلی قائل هستند، این دو عنوان بر یک تخصص و حرفه دلالت دارند و به کارگیری آنها در نظام حرفه‌ای و دانشگاهی در بیشتر موارد به صورت قراردادی بوده است. با توجه به شرایط فوق، تشکیل شورای هم‌اندیشی و اتخاذ تصمیمی جامع و بین‌المللی در تبیین تعاریف و کارکردهای این دو عنوان که ملاک عمل تمام سازمان‌های حرفه‌ای و مراکز آموزشی قرار گیرد، اقدامی ضروری است؛ امری که می‌تواند به رفع سردرگمی موجود و اعتلای جایگاه این حوزه کمک نماید.

واژگان کلیدی: طراحی داخلی، معماری داخلی، تمایز، تعریف، مقایسه

۱. دکتری معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر، تهران، ایران.
 ۲. دانشیار گروه معماری داخلی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
آدرس ایمیل: imani@art.ac.ir
 ۳. استادیار گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر، تهران، ایران.
- * مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری نگارنده اول، با عنوان «بنیان‌های نظری معماری داخلی» است که با راهنمایی نگارندگان دوم و سوم در دانشگاه هنر تدوین شده است.

«معماری داخلی» و «طراحی داخلی» دو نامی هستند که امروز به منزله رشته‌های دانشگاهی و تخصصی حرفه‌ای در عرصه طراحی فضاهای داخلی مطرح هستند. طراحی داخلی، با قدمتی حدود یک سده، در شرایطی ظهور می‌یابد که پیش از آن تخصصی مشابه به نام «دکوراسیون داخلی» شکل گرفته بود، اما در پی رخ دادن مجموعه‌ای از تحولات، طراحی داخلی پا به عرصه سامان‌بخشی فضاهای داخلی می‌گذارد. پس از حدود چند دهه، عوامل دیگری دست در دست هم می‌دهند و این بار معماری داخلی شکل می‌گیرد. بنابراین، نسبت‌های تبارشناختی معماری داخلی به دو حوزه «دکوراسیون داخلی» و «طراحی داخلی» باز می‌گردد؛ به بیانی دیگر ظهور دکوراسیون داخلی در اواخر قرن نوزدهم و پس از آن ظهور طراحی داخلی در اوایل قرن بیستم زمینه‌ساز ظهور معماری داخلی می‌شود.^۱ در نتیجه، در بررسی نسبت امروز معماری داخلی و طراحی داخلی، ابتدا باید توجه کنیم که طراحی داخلی، زمینه‌ای است که سبب شکل‌گیری معماری داخلی می‌شود و ظهور معماری داخلی بدون گذر از ظهور طراحی داخلی محقق نمی‌شود. طراحی داخلی، در شرایطی ظهور می‌یابد که چندین امر به صورت موازی رخ می‌دهد: اول اینکه که اصطلاح «طراحی» رایج می‌شود و در نتیجه، طراحی داخلی در شبکه‌ای از ظهور دیگر رشته‌های طراحی قرار می‌گیرد. دوم اینکه، تخصص پیشین آن یعنی «دکوراسیون داخلی» با تحولاتی مواجه می‌شود: دکوراسیون داخلی که در قرن نوزدهم عمدتاً توسط افرادی غیرحرفه‌ای نظیر مبل‌سازان، روبه‌کوبان یا فروشندگان مبلمان انجام می‌شد، کم‌کم در اواخر قرن نوزدهم به سمت حرفه‌ای شدن پیش می‌رود و به مرور افرادی متخصص و حرفه‌ای جایگزین افراد آماتور می‌شوند. حرفه‌ای شدن دکوراسیون داخلی، مستلزم آموزش دانشگاهی و شکل‌گیری انجمن‌های تخصصی می‌شود. از سوی دیگر، نگرشی متفاوت نسبت به امر طراحی فضاهای داخلی شکل می‌گیرد که گویی این نگرش جدید در قاموس دکوراسیون داخلی جای نمی‌گیرد؛ نگرشی که برگرفته از اصطلاح «اثر هنری کامل»^۲ است. اصطلاحی که در معماری دلالت بر یک کل منسجم دارد، گویی تمام زمینه‌های طراحی از جمله طراحی فضای داخلی زیر چتر معماری قرار می‌گیرد و به صورتی هماهنگ و یکپارچه عمل می‌کنند. باهاوس که یکی از مبلغان اصلی این نگرش محسوب می‌شود، تأثیر زیادی در تحول در امر طراحی فضاهای داخلی می‌شود؛ دکوراسیون داخلی که معمولاً به صورت مستقل از بنا عمل می‌کرد و بر محور نیازهای ساکنان و با روش انتخاب یا کلکسیون اشیاء و هماهنگ نمودن آنها با یکدیگر صورت می‌گرفت، به تخصصی تبدیل می‌شود که به صورت مستقل از بنا نیست و جزء و کل در تبعیت از هم شکل می‌گیرند، فقط به انتخاب اشیاء محدود نمی‌شود و عملی به نام «طراحی» صورت می‌گیرد، و پیوندی نزدیک‌تر با معماری می‌یابد. در نتیجه، گویی نوعی از دگردیسی در تبدیل دکوراسیون داخلی به طراحی داخلی به وجود می‌آید. گرچه این دگردیسی به این صورت نیست که تمام دکوراسیون داخلی به طراحی داخلی تبدیل شود. می‌توان گفت بخش اعظمی از دکوراسیون داخلی دچار این تحول می‌شود، در نتیجه، در آن دوران انجمن‌های حرفه‌ای که عنوان دکوراسیون داخلی داشتند، به طراحی داخلی تغییر عنوان می‌دهند. اما بخشی از دکوراسیون داخلی نیز تقریباً به همان شکل سابق باقی می‌ماند و تا امروز ادامه حیات داده است.

اما شرایط شکل‌گیری معماری داخلی متفاوت است. در واقع، معماری داخلی آن‌گونه‌ای نیست که طراحی داخلی نتیجه تحول در دکوراسیون داخلی است؛ به بیانی دیگر، در شکل‌گیری عنوان معماری داخلی، شکلی از دگردیسی یا تحول، حداقل به میزانی که در رابطه دکوراسیون داخلی و طراحی داخلی روی داد، صورت نمی‌گیرد. معماری داخلی ظهور می‌یابد، به علت اینکه برخی متخصصان ویژگی‌های مشترکی در طراحی داخلی و معماری می‌یابند، که سبب می‌شود طراحی داخلی با معماری پیوندی نزدیک‌تر بیاید؛ این امر با ایجاد عنوان معماری داخلی محقق می‌شود. هم‌چنین گسترش جنبش‌های حفاظت از بناهای تاریخی، زمینه‌ای تازه برای حرفه طراحی داخلی ایجاد می‌کند که مربوط به بازنده‌سازی معماری گذشته است؛ این زمینه نیز نیرویی برای شکل‌گیری عنوان معماری داخلی ایجاد می‌کند.

بنابراین، نکته‌ای که در این‌جا اهمیت دارد این است که با شکل‌گیری طراحی داخلی نوعی گذار از دکوراسیون داخلی به طراحی داخلی اتفاق می‌افتد، اما این امر با شکل‌گیری عنوان معماری داخلی روی نمی‌دهد؛ به بیانی دیگر، معماری داخلی در کنار طراحی داخلی قرار می‌گیرد و دست‌کم به طور عمده، جای آن را نمی‌گیرد. اگرچه در برخی موقعیت‌ها معماری داخلی جایگزین طراحی داخلی شده است، اما این امر با میزانی که در نسبت دکوراسیون داخلی و طراحی داخلی اتفاق افتاد، قابل رقابت نیست. بنابراین معماری داخلی توانست به آن میزان از گستردگی و محبوبیت

در نام‌گذاری انجمن‌های حرفه‌ای، رشته‌های دانشگاهی، یا عنوان‌های پژوهشی دست یابد. با این حال، امروز دو عنوان معماری داخلی و طراحی داخلی نسبت به دکوراسیون داخلی کاربردی گسترده‌تر در حرفه و مخصوصاً حوزه آموزش یافته‌اند؛ عمده رشته‌های دانشگاهی حوزه طراحی فضاهای داخلی با یکی از این دو عنوان نام‌گذاری شده‌اند، انجمن‌های حرفه‌ای نیز گرچه با سیطره غالب عنوان طراحی داخلی، یکی از این دو نام را برگزیده‌اند. اما حضور معماری داخلی در کنار طراحی داخلی، و اشتراکات و مشابهت‌های میان این دو حوزه، سبب شده است نسبت امروز میان این دو با پیچیدگی‌هایی همراه شود.

درواقع، به‌کارگیری عنوان معماری داخلی و طراحی داخلی، زمانی تبدیل به مسئله شده است که امروز، توافق لازم در استفاده از این دو عنوان، نه در جامعه دانشگاهی، نه در جامعه حرفه‌ای، و نه در نزد صاحب‌نظران وجود ندارد. به بیانی دیگر، آراء و نظرات متفاوتی در به‌کارگیری این دو نام وجود دارد و این امر باعث شده است نوعی از سردرگمی و پیچیدگی در گفتمان تخصصی این حوزه به‌وجود آید که سبب آسیب به این حوزه شده است. در پژوهش حاضر به دنبال پاسخ این پرسش هستیم که این سردرگمی چگونه است و چگونه می‌توان آن را برطرف نمود. برای پاسخ به این پرسش، ابتدا مروری بر وضعیت کنونی این مسئله می‌پردازیم؛ یعنی جایگاه کنونی به‌کارگیری دو عنوان طراحی داخلی و معماری داخلی را بررسی می‌کنیم. این بررسی در سه حوزه صورت می‌گیرد: حوزه اول، حوزه آموزش‌های رسمی یا دانشگاهی است، حوزه دوم، حوزه حرفه است که شامل انجمن‌های حرفه‌ای و صلاحیت‌ها یا پروانه‌های اشتغال به کار است، و حوزه سوم، مربوط به آراء صاحب‌نظرانی است که درباره تعاریف و معانی این دو عنوان سخن گفته‌اند. پس از آن با تحلیل وضعیت کنونی تلاش می‌کنیم چگونگی به‌کارگیری این دو عنوان را روشن‌بخشی کنیم و برای برطرف شدن مسائل فوق پیشنهادهایی ارائه کنیم.

این پژوهش، پژوهشی کیفی است و روش تحقیق آن، تحلیلی تفسیری است. هم‌چنین هدف این است که به فهم دقیق‌تری از دو عنوان معماری داخلی و طراحی داخلی و چگونگی به‌کارگیری آنها دست یابیم. در نتیجه، با فهم نسبت میان آنها به این شناخت نایل شویم که آیا این دو عنوان معادل یکدیگرند یا متفاوت از هم هستند و در انتها به این پرسش پاسخ دهیم که چگونه می‌توان سردرگمی موجود در به‌کارگیری این دو عنوان را برطرف نمود.

مروری بر تعاریف و توافق‌های نظام‌های آموزشی و حرفه‌ای و آراء صاحب‌نظران درباره طراحی داخلی و معماری داخلی

نظرات موجود درباره نسبت میان معماری داخلی و طراحی داخلی در سه دسته قابل تفکیک است. دسته اول، آراء یا بستری است که معماری داخلی را امری متمایز از طراحی داخلی می‌پندارد، در نتیجه برای هر کدام تعاریف مجزا و کاربردی متفاوت قائل است. دسته دوم، آراء یا زمینه‌ای است که باور دارد معماری داخلی و طراحی داخلی، یکی هستند، یا در واقع، دو عنوانی هستند که به یک تخصص یا حرفه دلالت دارد. از نظر گروه اول و گروه دوم، به‌کارگیری هر دو عنوان مجاز است و مشروعیت دارد. اما دسته سوم، آراء صاحب‌نظرانی است که معتقد هستند تنها یک عنوان و آن «طراحی داخلی» است که باید به کار گرفته شود و اساساً استفاده از عنوان «معماری داخلی» امری آسیب‌رسان و تهدیدکننده برای طراحی داخلی است. در ادامه به تشریح هر یک از این سه دیدگاه می‌پردازیم.

معماری داخلی به مثابه امری متمایز نسبت به طراحی داخلی

در این بخش ابتدا به مرور آراء و تعاریفی می‌پردازیم که توسط نظام‌های دانشگاهی، انجمن‌های حرفه‌ای و صاحب‌نظران عرصه طراحی فضاهای داخلی درباره دو عنوان «طراحی داخلی» و «معماری داخلی» به مثابه دو امر متمایز نسبت به هم ارائه شده است. پس از آن با تحلیل این آراء و تعاریف به فهم نسبت بین معماری داخلی و طراحی داخلی از منظر این دسته از صاحب‌نظران و انجمن‌ها، دست می‌یابیم. با واکاوی این نسبت، ویژگی‌ها و تأثیراتی را که در زمینه تخصص طراحی فضاهای داخلی می‌گذارند، مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم. ابتدا به مرور تعاریفی از «معماری داخلی» و «طراحی داخلی» می‌پردازیم که برگرفته از «بخش آموزش مؤسسه علوم آموزشی ایالات متحده آمریکا» است:

معماری داخلی: برنامه‌های آموزشی است که افراد را برای کار حرفه‌ای مستقل معماری داخلی آماده می‌کند؛ کاری که مرتبط با فرآیند و فنون طراحی محیط‌های داخلی زندگی، کار، و تفریح است. به طوری که اجزایی جدانشدنی از یک نظام ساختمانی هستند. این برنامه، آموزش طراحی ساختمان و سیستم‌های سازه‌ای، روش‌های گرمایش و سرمایش، استانداردهای ایمنی و سلامت، و اصول و استانداردهای طراحی داخلی را در بر می‌گیرد.

طراحی داخلی: برنامه‌ای است ذیل هنرهای تجسمی کاربردی که افراد را برای به‌کارگیری اصول و فنون هنری در برنامه‌دهی، طراحی، تجهیز و میله‌کردن حرفه‌ای فضاهای داخلی مسکونی و تجاری آماده می‌کند. این برنامه، آموزش برنامه‌های رایانه‌ای در زمینه ترسیم و مهارت‌های گرافیکی، اصول نورپردازی داخلی، آکوستیک، ادغام سیستم‌ها، و هماهنگی رنگ‌ها؛ اسباب و اثاثیه؛ بافتارها و سطوح آنها؛ تاریخ طراحی داخلی و سبک‌های دوره‌ای؛ طراحی مقدماتی سازه‌ای؛ مقررات ساختمان و قواعد نظارتی؛ و برنامه‌های کاربردی برای طراحی دفتر کار، هتل، کارخانه، رستوران، و خانه را در بر می‌گیرد.

نکته مهمی که در تفاوت این دو تعریف وجود دارد، وجود دسته‌بندی‌های متفاوت برای هر یک از دو عنوان است؛ معماری داخلی زیرمجموعه «معماری و خدمات مرتبط» قرار گرفته است، و طراحی داخلی زیرمجموعه «هنرهای تجسمی و نمایشی». چنین نگرشی سبب شده است که در تعریف هر یک از این دو، نوعی تقرب به عنوان مجموعه وجود داشته باشد. چپستی و چگونگی «معماری داخلی» به «معماری» نزدیک‌تر شده است، در حالی که چپستی و چگونگی «طراحی داخلی» به «هنرهای تجسمی و نمایشی» نزدیک شده است (جدول ۱). بنابراین، در تعریف معماری داخلی، به طراحی اجزای جدانشدنی یک ساختمان مانند سازه، تأسیسات، و اصول ایمنی اشاره شده است، اما تعریف طراحی داخلی، بیشتر بر اصول و فنون هنری و گرافیکی و اجزای جدانشدنی فضای داخلی تأکید دارد.

گروه	زیرگروه	رشته
۴. معماری و خدمات مرتبط	۰۲-۴. معماری	
	۰۳-۴. برنامه‌ریزی ناحیه‌ای، محیطی و شهری	
	۰۲-۴. طراحی محیطی	
	۰۵-۴. معماری داخلی	۰۵-۱-۴. معماری داخلی
۵. هنرهای تجسمی و نمایشی	۰۶-۴. طراحی منظر	
	۰۸-۴. تاریخ و نقد معماری	
	۰۹-۴. علوم و فناوری معماری	
	۱۰-۴. توسعه ملکی	
	۰۱-۵. هنرهای تجسمی و نمایشی، عمومی	
	۰۲-۵. طراحی / صنایع دستی	
	۰۳-۵. رقص	
	۰۴-۵. طراحی و هنرهای کاربردی	
	۰۲-۵. طراحی و ارتباطات بصری	
	۰۳-۵. هنرهای تجاری و تبلیغاتی	
	۰۴-۵. طراحی صنعتی و طراحی محصول	
	۰۶-۵. عکاسی تجاری	
	۰۷-۵. طراحی مد / پوشاک	
	۰۸-۵. طراحی داخلی	
	۰۹-۵. طراحی گرافیک	
	۱۰-۵. تصویرسازی	
	۱۱-۵. طراحی بازی و رسانه‌های تعاملی	
	۰۵-۵. هنرهای نمایشی و تئاتر	
	۰۶-۵. هنرهای فیلم‌برداری و عکاسی	
	۰۷-۵. هنرهای زیبا و اثاثیه‌ای	
	۰۹-۵. موسیقی	
	۱۰-۵. مدیریت رسانه‌های سرگرمی و هنرها	

جدول ۱. طبقه‌بندی زمینه‌های آموزشی مؤسسه علوم آموزشی ایالات متحده آمریکا (منبع: NCES, ۲۰۲۱)

تمایز بین این دو تعریف، به طور رسمی در زمان تأسیس «جامعه آمریکایی طراحان داخلی» (ASID) وضوح بخشیده شد. در واقع، تعاریف پیشنهادی هیچ راه‌حلی در پاسخ به مسائل پیش‌روی حرفه و آموزش ارائه نمی‌دهند. این مسئله در میزگردی در سال ۲۰۰۹ در همایش بین‌المللی IDEC مورد بحث قرار گرفت. در پایان این همایش، چهار موقعیت برای آینده به شرح زیر پیشنهاد شد:

۱. طراحی داخلی در تمام ایالت‌ها مجوز می‌گیرد و به عنوان تنها حرفه‌ای شناخته می‌شود که به صورت خاص با فضاهای داخلی سروکار دارد. یک جامعه همکاری بین معماران و طراحان داخلی ایجاد می‌شود.

۲. طراحی داخلی یکی از چندین اصطلاحی است که برای شناسایی حرفه‌مندان به کار می‌رود که عهده‌دار امر سامان‌بخشی فضاهای داخلی هستند. بقیه نام‌ها شامل معماران داخلی، طراحان فضای درون، و غیره است. مسیرهای رسیدن به این مشاغل متفاوت هستند و می‌تواند شامل و نه محدود به گذر از آزمون‌های «انجمن ملی صلاحیت طراحی داخلی» (NCIDQ) یا «انجمن ملی هیئت‌های نام‌نویسی معماری» (NCARB) باشند.

۳. معماری داخلی برای اطلاق به کار در فضاهای داخلی، نامی پذیرفته در سطح جهانی می‌شود. معماران داخلی ملزم هستند که از دوره‌ای معتبر دارای صلاحیت از «شورای اعتبارسنجی طراحی داخلی» (CIDA) فارغ‌التحصیل شوند و آزمون‌های «انجمن ملی صلاحیت طراحی داخلی» (NCIDQ) را بگذرانند.

۴. انشقاقی در این حرفه وجود دارد، آنهایی که متمرکز بر طراحی مسکونی هستند حق دارند خود را «طراحان داخلی» بنامند و به کسانی که بر کارکردهای تجاری مبتنی بر مسائل بهداشتی، ایمنی، و رفاهی تمرکز دارند، اصطلاح «معمار داخلی» اطلاق می‌شود.

نکته‌ای که درباره این توافق وجود دارد این است که تمایز میان طراحی داخلی و معماری داخلی از این حیث دانسته می‌شود که طراحی داخلی، صرفاً بر فضاهای مسکونی تمرکز دارد، اما معماری داخلی به کارکردهای دیگر می‌پردازد. یعنی تفاوت این دو عنوان مربوط به کاربری‌هایی است که هر یک از آنها قادر به انجام آن هستند. متمایز دانستن طراحی داخلی و معماری داخلی اغماض و پیچیدگی بیشتری می‌یابد، وقتی با نظرات متخصصانی مواجه می‌شویم که به گونه‌ای دیگر میان این دو عنوان تمایز قائل می‌شوند.

مثلاً هی معتقد است معماری داخلی در طول ۳۰ سال گذشته ظهور یافته است تا فضای خالی بین طراحی داخلی و معماری را پر کند. او معماری داخلی را به مثابه رویکردی در طراحی می‌داند که در ساختمان‌های موجود مداخله می‌کند. همین‌طور گریم بروکر و سالی استون اعتقاد دارند معماری داخلی «با بازسازی ساختمان‌های موجود سروکار دارد... پلی است بین کار طراحی داخلی و معماری و اغلب با مسائل ساختاری، محیطی، و خدماتی پیچیده سروکار دارد». در مقابل، طراحی داخلی را مربوط به پروژه‌هایی می‌دانند «که نیاز به تغییرات غیر ساختاری یا کمتر ساختاری در ساختمان‌های موجود دارد... فضای اصلی تا حد زیادی در وضعیت ساختاری اصلی خود باقی می‌ماند و داخلی جدید به درون آن اضافه می‌شود». شاید میزان مداخله در بنا و میزان تسلط بر جنبه‌های معمارانه، تفاوتی باشد که این دسته از صاحب‌نظران بین معماران داخلی و طراحان داخلی قائلند. به یک معنا، معمار داخلی به سبب تسلط بیشتر بر دانش و مهارت‌های معماری می‌تواند مداخلاتی در یک بنای موجود انجام دهد که بیشتر از میزانی است که طراح داخلی می‌تواند؛ مثلاً جابجایی دیوارها، سقف، پنجره‌ها، یا حتی سیستم‌های تأسیساتی و ساختاری بنا می‌تواند توسط معمار داخلی انجام شود، در حالی که انجام این امور توسط طراح داخلی ممکن است میسر نباشد. البته هنری هیلدربراند به گونه‌ای دیگر بین معماری داخلی و طراحی داخلی تمایز قائل می‌شود. او در مقاله «خلاً بین طراحی داخلی و معماری» درباره تفاوت بین معماری داخلی و طراحی داخلی به این نکته اشاره می‌کند که معماری داخلی هرگز از موقعیت «معماری» خارج نمی‌شود. او معتقد است بیانیه‌های معماری داخلی در داخل بنا در نسبتی یکسان با بیرون آن نقش می‌بندند، و در نتیجه معماری داخلی ذیل کار معماری و خدمات حرفه معماری جای می‌گیرد. در حالی که درباره طراحی داخلی این چنین نیست و به همین سبب طراحی داخلی می‌تواند مستقل از معماری عمل کند. نوع تمایزی که هیلدربراند ارائه می‌کند، نه از نظر میزان مداخله در بنا، و نه از نظر نوع کاربری‌ای که هر یک از دو تخصص می‌تواند انجام دهد، بلکه از لحاظ پیوندی است که با معماری برقرار می‌کنند؛ معماری داخلی پیوندی نزدیک، و طراحی داخلی پیوندی بیگانه. البته او در جای دیگری ادعا می‌کند «طراحی داخلی» موجودیتی مجزا است که در پاکت معماری «گذاشته می‌شود»، در حالی که «معماری داخلی» به میزان خود، معماری، واکنش نشان می‌دهد و آن را تغییر می‌دهد. تعریف وی دال بر رده‌بندی‌های متفاوتی است که برای هر یک از این دو عنوان در نظام آموزشی و حرفه‌ای ایالت متحده تعیین شده است؛ معماری داخلی ذیل گروه معماری، اما

طراحی داخلی ذیل گروه هنرها.

در این بخش به آراء و تعاریف آن دسته از متخصصان حوزه طراحی فضاهای داخلی و انجمن‌های حرفه‌ای و آموزشی‌ای پرداختیم که معتقدند معماری داخلی و طراحی داخلی دو تخصص متمایز با یکدیگرند. چیزی که باعث می‌شود این نگرش سردرگم‌کننده و پیچیده شود این است که نحوه تمایز بخشیدن بین این دو تخصص از نظر صاحب‌نظران مختلف متفاوت است؛ برخی از متخصصان معماری داخلی را از این لحاظ که می‌تواند میزان مداخلات بیشتری در بنا داشته باشد، با طراحی داخلی متمایز می‌دانند، برخی آن را از حیث نسبت نزدیک‌تری که با معماری دارد، تخصصی مجزا می‌پندارند، در میزگردی در آمریکا نیز توافق می‌کنند نوع کاربری مجاز برای طراحی هر یک از دو تخصص متفاوت است. چنین تشتتی در آراء کسانی که چنین نگرشی نسبت به معماری داخلی و طراحی داخلی دارند، باعث ایجاد تناقضات و سردرگمی در این حیطه می‌شود.

معماری داخلی به مثابه امری یکسان با طراحی داخلی

در بخش قبلی به بررسی دیدگاه افراد و انجمن‌های حرفه‌ای و آموزشی‌ای پرداختیم که معتقد هستند معماری داخلی و طراحی داخلی دو تخصص متفاوت هستند که تعاریف و کارکردهای هر یک متفاوت است. در این بخش به آراء انجمن‌ها و متخصصانی می‌پردازیم که در مقابل دیدگاه قبل قرار دارند؛ این گروه ضمن اینکه برای هر دو عنوان «معماری داخلی» و «طراحی داخلی» مشروعیت قائل هستند، آنها را معادل یکدیگر می‌دانند. به بیانی دیگر، این دو گروه معتقدند اگرچه عنوان معماری داخلی بعد از عنوان طراحی داخلی شکل می‌گیرد، به عنوان تخصصی جدید نیست، بلکه صرفاً پیشنهادی برای تغییر عنوان است. البته به دلایلی این تغییر عنوان صورت نمی‌گیرد، در نتیجه امروز، هر دو عنوان مورد استفاده قرار می‌گیرند.

در بخش قبل درباره رده‌بندی این دو تخصص در نظام آموزشی ایالات متحده آمریکا سخن گفتیم و مشاهده کردیم این دو تخصص در دو گروه متفاوت رده‌بندی می‌شوند. اما در اروپا، این وضعیت کمی متفاوت است؛ «مرکز اروپایی توسعه آموزش حرفه‌ای»، آموزش طراحی داخلی و معماری داخلی را همراه با توضیحی ساده دسته‌بندی کرده است. (جدول ۲) نکته مهم این است که در این دسته‌بندی، طراحی داخلی و معماری داخلی ذیل مجموعه «علوم انسانی و هنر» و در دسته «طراحی» طبقه‌بندی شده‌اند. هم‌چنین در زیر جدول مربوط به این دسته‌بندی اشاره شده است که: «استثنا: مطالعه طراحی ساختمان در این گروه قرار نمی‌گیرد، بلکه در مجموعه معماری و برنامه‌ریزی شهری قرار می‌گیرد. مطالعه طراحی صنعتی در دسته مهندسی و کسب‌وکارهای مهندسی قرار می‌گیرد. طراحی نشریات و گرافیک در این دسته قرار نمی‌گیرند بلکه در مجموعه فنون صوتی-تصویری و تولید رسانه‌ای جای می‌گیرند»

مجموعه	گروه	زیرگروه	رشته
۲. علوم انسانی و هنرها	۲۱. هنرها	۲۱۱. هنرهای زیبا	
		۲۱۲. موسیقی و هنرهای نمایشی	
		۲۱۳. فنون صوتی تصویری و محصولات رسانه‌ای	
		۲۱۴. طراحی	طراحی لباس، طراحی محصولات صنعتی، طراحی مبدا، معماری داخلی، طراحی داخلی، طراحی صحنه و تئاتر
		۲۱۵. مهارت‌های دستی	

جدول ۲. طبقه‌بندی زمینه‌های آموزشی معماری داخلی و طراحی داخلی طبق رده‌بندی «مرکز اروپایی توسعه آموزش حرفه‌ای» (منبع: Andersson & Olsson, ۱۹۹۹)

دو نکته مهم در این طبقه‌بندی وجود دارد: اول اینکه معماری داخلی و طراحی داخلی هر دو در یک مجموعه قرار دارند (برخلاف جدول مؤسسه علوم آموزشی ایالات متحده آمریکا که معماری داخلی زیرمجموعه معماری و طراحی داخلی زیرمجموعه هنرهای تجسمی و نمایشی قرار می‌گرفت)، و نکته دوم اینکه در این طبقه‌بندی، معماری جزء مجموعه «علوم انسانی و هنر» قرار نگرفته است، بلکه در مجموعه «مهندسی، تولید، و ساخت‌وساز» جای

گرفته است. طبقه‌بندی فوق حاکی از چگونگی نسبت طراحی داخلی، معماری داخلی، و معماری در نگرش موجود در اروپا است.

«رده‌بندی استاندارد بین‌المللی آموزش» یا ISCED مجموعه‌ای است که دربارهٔ طبقه‌بندی آموزشی توسط یونسکو انتشار یافته است. در نسخهٔ متعلق به سال ۲۰۱۱ این مجموعه، طراحی داخلی، در چنین رده‌بندی‌ای قرار گرفته بود: علوم انسانی و هنر (زمینهٔ کلی)، هنرها (زمینهٔ محدودشده)، و طراحی (زمینهٔ تخصصی). نکتهٔ مهم این است که در این نسخه خبری از عنوان معماری داخلی در هیچ رده‌بندی‌ای نبوده است. اما در تازه‌ترین نسخهٔ این مجموعه که متعلق به سال ۲۰۱۵ است، عنوان معماری داخلی و حتی دکوراسیون داخلی نیز به این مجموعه اضافه شده است، البته عنوان زمینهٔ تخصصی که «طراحی» بود، قدری تغییر کرده و با عنوان «طراحی صنعتی، داخلی، و مد» جایگزین شده است (جدول ۳). هم‌چنین در بخش معماری که زیرمجموعهٔ زمینهٔ کلی «مهندسی، تولید و ساخت‌وساز» و زمینهٔ محدودشدهٔ «معماری و ساخت‌وساز» و زمینهٔ تخصصی «معماری و شهرسازی» رده‌بندی شده است، زیرنویسی وجود دارد که تأکید می‌کند طراحی داخلی در این مجموعه قرار نمی‌گیرد.

مجموعه	گروه	زیرگروه	رشته
۳. علوم انسانی و هنرها	۲۱. هنرها	۲۱۱. فنون صوتی تصویری و محصولات رسانه‌ای	
		۲۱۲. طراحی صنعتی، داخلی، و مد	طراحی لباس، طراحی محصولات صنعتی، طراحی مد، معماری داخلی، طراحی داخلی، دکوراسیون داخلی، طراحی صحنه و ویترین
		۲۱۳. هنرهای زیبا	
		۲۱۴. مهارت‌های دستی	
		۲۱۵. موسیقی و هنرهای نمایشی	

جدول ۳. طبقه‌بندی زمینه‌های آموزشی معماری داخلی و طراحی داخلی طبق «رده‌بندی استاندارد بین‌المللی آموزش» (منبع: ISCED ۲۰۱۵، ۱۳)

نحوهٔ نام‌گذاری «اتحادیهٔ بین‌المللی طراحان/ معماران داخلی» (IFI) که در دانمارک تأسیس شده است، شاهدی بر نگرش صاحب‌نظرانی است که معماری داخلی را معادل طراحی داخلی در نظر گرفته می‌گیرند. این اتحادیه در ۱۹۶۳ با عنوان طراحی داخلی تأسیس می‌شود اما چندی بعد نام معماری داخلی نیز به آن اضافه می‌شود. همان‌طور که از عنوان این اتحادیه برمی‌آید، معماری داخلی و طراحی داخلی، دو امر مشابه در نظر گرفته شده‌اند. IFI تنها انجمن بین‌المللی در زمینهٔ طراحی/معماری داخلی است و به عنوان کنگره‌ای جهانی جهت تبادل و توسعهٔ دانش و تجربه در این حوزه عمل می‌کند. در اینجا، به ارائهٔ تعریفی می‌پردازیم که IFI دربارهٔ طراح/معمار داخلی حرفه‌ای تبیین نموده است:

طراح/معمار داخلی حرفه‌ای با داشتن تحصیلات، تجربیات، و مهارت‌های کاربردی مسئولیت‌های زیر را می‌پذیرد:

- شناسایی، پژوهش، و حل مسائل مربوط به کیفیت و عملکرد فضای داخلی.
- انجام خدمات مربوط به فضای داخلی، شامل برنامه‌ریزی، تحلیل طراحی، برنامه‌دهی فضایی، زیبایی‌شناسی و بازرسی کار در محل پروژه، به‌کارگیری متخصصان.
- داشتن دانش دربارهٔ اجراء، سیستم‌ها و عناصر ساختمانی، مقررات ساختمانی، تجهیزات، مصالح، و اثاثیهٔ فضای داخلی.
- آماده‌سازی اسناد، نقشه‌ها و ایدئوگرام‌های مرتبط با طراحی فضای داخلی، به منظور ارتقاء کیفیت زندگی و حفاظت از سلامتی، امنیت، رفاه، و محیط عموم مردم.

این تعریف توسط بیشتر سازمان‌های حرفه‌ای در کشورهای مختلف تأیید شده است. در این تعریف ویژگی‌های اساسی این حرفه و زمینه‌های آن تشریح شده است. نکته مهم این است که IFI تعریف یکسانی برای طراحی/معماری داخلی ارائه کرده است و موجودیت این دو عنوان را از یکدیگر متمایز نکرده است. در عین حال، برای هر دو عنوان مشروعیت قائل شده است.

در میان متخصصان حوزه طراحی فضاهای داخلی نیز کسانی هستند که این دو عنوان را آنقدر یکی می‌پندارند که در متون خود از عنوان «طراحی/معماری داخلی» استفاده می‌کنند. مثلاً براک کپتان در «یک مدل آموزش طراحی/معماری داخلی با رویکردهای جدید» از این عنوان استفاده می‌کند که تلویحاً به این امر اشاره می‌کند که این دو نام بر یک امر دلالت دارد. او در مقاله «طراحی داخلی و معماری داخلی: دو مفهوم، یک حرفه» نیز معماری داخلی و طراحی داخلی را دال بر یک حرفه می‌داند، گرچه این دو عنوان را دو مفهوم متفاوت قلمداد می‌کند. نویسندگان دیگری چون جوآن سیز نیز به صورت تلویحی این دو عنوان را معادل یکدیگر می‌دانند. مثلاً سیز در مقاله خود با عنوان «[بدون] رشته» که با دغدغه مشروعیت این تخصص به عنوان رشته دانشگاهی نوشته است، در همان ابتدا در پی نوشت به این نکته اشاره می‌کند که اصطلاح طراحی داخلی در این مقاله به عنوان‌های «طراحی داخلی» و «معماری داخلی» اشاره دارد. یعنی این دو عنوان تلویحاً معادل هم در نظر گرفته شده‌اند. این معادل پنداشتن در آثار دیگری چون کتاب راهنمای طراحی و معماری داخلی نوشته گریم بروکر و لوئیس وی بیتال نیز مشاهده می‌شود. مسئله‌ای که در اینجا وجود دارد این است که با وجود طبقه‌بندی زمینه‌های آموزشی معماری داخلی و طراحی داخلی طبق «رده‌بندی استاندارد بین‌المللی آموزش» و «مرکز اروپایی توسعه آموزش حرفه‌ای» وحدت رویه در اروپا وجود ندارد. در واقع، در اروپا دانشجویان بعد از فارغ‌التحصیل شدن از یک برنامه آموزشی و دریافت دانشنامه، باید مدرک گواهی کار خود را که مرتبط با رشته تحصیلی‌اش است کسب نمایند. پس از این، می‌تواند در تمام کشورهای عضو اتحادیه اروپا مشغول به کار شود. بنابراین رده‌بندی مشاغل باید مبتنی بر زمینه‌های کاری باشد. در نتیجه، چگونگی طبقه‌بندی یک حرفه برای مطالعات علمی و دانشگاهی و توسعه آن حرفه بسیار مهم است. اما چیزی که سبب عدم اطمینان در این حوزه می‌شود این است که در اروپا، این شغل بر اساس رویکردهای مختلفی تبیین شده است که کشورها و فرهنگ‌های متفاوت اروپایی اتخاذ کرده‌اند، ضمن اینکه تفاوت‌هایی بین طبقه‌بندی آموزشی ارائه شده توسط یونسکو با طبقه‌بندی مرکز اروپایی توسعه آموزش حرفه‌ای وجود دارد. این عدم هماهنگی سبب شده است که رده‌بندی‌های متفاوتی در نظام آموزشی و حرفه‌ای در اروپا وجود داشته باشد. در میان کشورهای اروپایی نیز عدم وحدت رویه گیج‌کننده است. مثلاً در آلمان این حرفه معماری داخلی نامیده می‌شود، نه طراحی داخلی؛ و این معماران داخلی هستند که به عنوان عضوی از کنگره معماران امکان ثبت نام برای اخذ گواهی کار دارند. لازمه پذیرش این است که دوره‌های آموزشی و تجربی مربوط را طی کرده باشند. در مقابل در انگلستان، طراح داخلی قادر به ثبت نام به عنوان معمار نیست و در آنجا طراحان داخلی از لحاظ اداری قابل تشخیص نیستند. این امر باعث شده در اروپا نیز نوعی سردرگمی به وجود بیاید.

معماری داخلی به مثابه امری آسیب‌رسان به طراحی داخلی

تا اینجا دو گونه بازخورد را نسبت به طراحی داخلی و معماری داخلی مرور کردیم. دسته اول، مربوط به نگرشی است که طراحی داخلی و معماری داخلی را دو عنوان مجزا در نظر می‌گیرد و تفاوت‌هایی بین این دو قائل می‌شود. دسته دوم، نظرگاهی است که طراحی داخلی و معماری داخلی را امری واحد می‌داند و تفاوتی بین این دو قائل نمی‌شود. اما در این باره، دیدگاه دیگری نیز وجود دارد که رویکرد سوم نسبت به عنوان‌های طراحی داخلی و معماری داخلی را تشکیل می‌دهد.

این دیدگاه مربوط به صاحب‌نظرانی است که اساساً مشروعیتی برای عنوان معماری داخلی قائل نیستند و با به‌کارگیری این عنوان مخالفت می‌کنند. مثلاً ساشی کان معماری داخلی را امری می‌داند که:

طراحی داخلی را تهدید می‌کند که شخصیت یگانه‌اش را به یغما برد و آن را از ریشه‌های پیشاتاریخی و رابطه ذاتی‌اش با علوم اجتماعی، رفتاری، و شناختی بگسلد. [درحالی‌که] امروز طراحی داخلی باید حرفه‌ای جامع‌نگر باشد که بتواند محیط‌هایی سودمند برای سکونت انسانی بسازد، چنین طراحی‌ای باید واجد تخصصی و رای مهارت‌های معمول یک

به کارگیری نام معماری داخلی در نسبت با طراحی داخلی را ساشی کان، امری تهدیدکننده برای طراحی داخلی می‌داند. افراد دیگری نیز مخالف به کارگیری این نام هستند؛ براک کپتان در «معماری داخلی و طراحی داخلی: دو مفهوم، یک حرفه» همان‌طور که از نام مقاله برمی‌آید معماری داخلی و طراحی داخلی را در حرفه معادل یکدیگر می‌داند اما با توجه به مفهوم متفاوتی که برای آنها قائل است، به کارگیری نام معماری داخلی را ابهام‌آور و گیج‌کننده می‌پندارد. وی اشاره می‌کند عدم اطمینان در به کارگیری طراحی داخلی یا معماری داخلی باعث ایجاد آسیب در نام‌گذاری و طبقه‌بندی مؤسسه‌های آموزشی و کاربست این نام در حرفه شده است.

هم‌چنین ریموند کونیک، در مقاله‌ای با عنوان «خجالت درباره دکوراسیون؛ مطلبی در مخالفت با تغییر عنوان «طراحی داخلی» به «معماری داخلی»»، استفاده از عنوان معماری داخلی را به علت احساس خجالتی می‌داند که در جنبه دکوراتیو طراحی داخلی وجود دارد و در واقع، خلق نام معماری داخلی را مربوط به تلاشی برای رهایی از این احساس می‌داند. کونیک اما در این مقاله طراحی داخلی را فراتر از دکوراسیون می‌پندارد به شدت با این تغییر عنوان به معماری داخلی مخالفت می‌کند. او معتقد است نام طراحی داخلی مناسب‌تر از معماری داخلی است. زیرا هم به طور دقیق‌تری بیانگر «کار فضای داخلی» و «فرآیند طراحی» در این حرفه است، هم اینکه قدمت استفاده بیشتر و جهان‌شمولیت بیشتری دارد. او معتقد است پیش از این یک بار «تغییر عنوان» در این زمینه اتفاق افتاد است؛ زمانی که دکوراسیون داخلی به طراحی داخلی تغییر می‌یابد. در نتیجه، یک تغییر عنوان دیگر می‌تواند سبب آسیب به این تخصص شود و آن را کم ارزش جلوه دهد، زیرا به این معنا خواهد بود که تغییر عنوان اول شکست خورده است. در مجموع، او به کارگیری نام معماری داخلی را امری آسیب‌رسان به حرفه طراحی داخلی می‌داند. البته او در این مقاله به این نکته نیز اشاره می‌کند که طراحی داخلی و معماری داخلی کارکرد و معنایی مشابه یکدیگر دارند و استدلال می‌کند تفاوت بین این دو ناچیز است.

لوسیندا کاکاس هونهند در مقاله‌ای با عنوان «نگاهی از حاشیه: طراحی داخلی» استفاده از عنوان معماری داخلی را آسیب‌رسان می‌داند، زیرا معتقد است این عنوان تمایل دارد خود را به معماری نزدیک کند تا مشروعیت کسب نماید؛ گویی باور دارد که امری حقیر نسبت به معماری است پس با این عنوان سرپوشی بر این حقارت می‌گذارد. درحالی که استفاده از عنوان طراحی داخلی، به معنای پذیرش تفاوت‌ها با معماری و باور به جایگاهی برابر با آن است. هونهند استفاده از عنوان معماری داخلی را مانند تلاش موج نخست فمینیست‌ها می‌داند که سعی داشتند زنان را بدون در نظر گرفتن تفاوت‌هایشان، با مردان یکی کنند؛ در حالی که موج دوم فمینیست‌ها با مشروعیت بخشیدن به ویژگی‌های متفاوت زنان به دنبال جایگاهی مساوی برای آنان بودند. از نظر هونهند، استفاده از عنوان طراحی داخلی مانند تلاش موج دوم فمینیست‌ها برای احقاق حقوق مساوی زنان است.^۲

سوزی آتیویل که از اولین نظریه‌پردازان حوزه داخلی شهری است، نیز باور دارد عنوان معماری داخلی، این تخصص را محدود به طراحی فضاهای داخلی درون بنای معماری می‌کند. او که طراحی داخلی در فضاهای داخلی شهری را امری مهم در حوزه طراحی داخلی می‌داند، معادل عنوان معماری داخلی نمی‌پندارد. در نتیجه استفاده از عنوان معماری داخلی را امری «محدودکننده» و در نتیجه آسیب‌رسان به حوزه طراحی فضاهای داخلی می‌داند.

این گروه معتقدند طراحی داخلی تمام هفت مرحله تئوری حرفه‌ای شدن برای گذر از کار به حرفه را طی کرده است. این مراحل شامل این موارد است: ۱. تغییر نام (دکوراسیون داخلی به طراحی داخلی)؛ ۲. الزامات آموزشی؛ ۳. آزمون جامع؛ ۴. به رسمیت‌شناسی و مقررات قانونی؛ ۵. عضوگیری سازمان‌های حرفه‌ای؛ ۶. منشور اخلاقی؛ و ۷. امکان ادامه تحصیل. بنابراین استفاده از عنوان معماری داخلی که زمانی به منظور اعتباربخشی به طراحی داخلی به کار می‌رفت، دیگر نمی‌تواند تأثیر چندانی بگذارد.

نکته‌ای که در پس نگرش صاحب‌نظران مذکور وجود دارد، این است که اساساً تمایزی بین طراحی داخلی و معماری داخلی از نظر چیستی و شرح وظایف آنها قائل نیستند. یعنی از این جهت مشابه گروه دوم می‌اندیشند. اما این گروه تفاوتی که با گروه دوم دارد این است که با به کارگیری عنوان معماری داخلی مخالف هستند و فقط به کارگیری عنوان طراحی داخلی را جایز می‌دانند. این در حالی است که گروه دوم استعمال هر دو نام را مجاز می‌دانستند و برای هر دو مشروعیت قائل بودند.

با توجه به اینکه گروه سوم نیز مانند گروه دوم به معادل بودن معماری داخلی و طراحی داخلی باور دارند،

تحلیل یافته‌ها

تنها گروه اول هستند که به چنین امری اعتقاد ندارند؛ یعنی شاید بتوان گفت تعداد اندکی از متخصصان این حوزه معتقدند معماری داخلی و طراحی داخلی بر دو تخصص مجزا دلالت می‌کند.

تا اینجا به بررسی و واکاوی به‌کارگیری دو عنوان معماری داخلی و طراحی داخلی پرداختیم و بررسی کردیم که هر یک از این دو عنوان نزد صاحب‌نظران، نظام‌های دانشگاهی و انجمن‌های حرفه‌ای چه جایگاهی دارند و نظر متخصصان دربارهٔ نسبت این دو چگونه است. برای این منظور، تعاریفی را که توسط سازمان‌های حرفه‌ای، انجمن‌های مربوط به آموزش، و صاحب‌نظران این حوزه بیان شده است، بررسی و تحلیل کردیم و با واکاوی آنها تلاش کردیم به فهم نسبت معماری داخلی و طراحی داخلی نزد ایشان دست یابیم. در این تحلیل متوجه شدیم سه دسته آراء یا سه گونه بازخورد دربارهٔ رابطهٔ معماری داخلی و طراحی داخلی وجود دارد (جدول ۴).

دستهٔ اول، گروهی هستند که به تمایز طراحی داخلی و معماری داخلی باور دارند. در تعاریف ارائه‌شده توسط این دسته، معماری داخلی معنا و کارکردی متمایز از طراحی داخلی دارد. در نتیجه، صاحب‌نظران این گروه علاوه بر اینکه مشروعیت معماری داخلی و طراحی داخلی را تأیید کرده‌اند، هویتی مستقل برای هر یک قائل شده‌اند. طبق دیدگاه این گروه، طبقه‌بندی طراحی داخلی و معماری داخلی در عرصهٔ آموزش نیز متفاوت از یکدیگر، و در شاخه‌ها و زمینه‌های متفاوت قرار گرفته است. این گروه، هم‌چنین به تمایزاتی که میان این دو عنوان وجود دارد پرداخته‌اند، اما میان صاحب‌نظران این گروه توافق چندانی وجود ندارد و هر کدام از نظر مسائل مختلف این تمایز را بیان نموده‌اند؛ برخی از حیث میزان مداخلات بیشتر در بنا توسط معماری داخلی، آن را از طراحی داخلی متمایز کرده‌اند، برخی از لحاظ نسبت نزدیک‌تر معماری داخلی به معماری، آن را از طراحی داخلی جدا در نظر گرفته‌اند، برخی نیز با محدود کردن طراحی داخلی به کاربری مسکونی و معماری داخلی به کاربری‌های تجاری این دو را از هم تمیز بخشیدند. عدم توافق بر چگونگی تمایز این دو عنوان از یک سو، و مرزهای ظریف میان این دو که در بسیاری مواقع تمایز را دشوار می‌کند، از سوی دیگر، دیدگاه این گروه را بحث‌برانگیز و گیج‌کننده کرده است.

اما دستهٔ دوم آراء دربارهٔ نسبت طراحی داخلی و معماری داخلی، مربوط به گروهی است که برای طراحی داخلی و معماری داخلی، هویتی یکسان قائل هستند. این گروه معتقدند که تمایزی بین معماری داخلی و طراحی داخلی وجود ندارد، گویی معماری داخلی عنوانی بوده است که بعد از شکل‌گیری‌اش – که چند دهه پس از طراحی داخلی بوده است – تمایل به جان‌شین شدن بر عنوان طراحی داخلی داشته است، اما موفقیت‌آمیز نبوده است و در نتیجه، امروزه هر دو عنوان به‌کارگرفته می‌شوند. اما مسئله‌ای که دربارهٔ این رویکرد وجود دارد به‌کارگیری هر یک از این دو عنوان بنا به توافقی است که در کشورهای مختلف صورت می‌گیرد و این امر، جنبه‌ای توافقی یا قراردادی یافته است. در نتیجه باعث نوعی سردرگمی در استفاده از هر یک از این دو عنوان شده است. به قول کلابو ادواردز در کشورهای اروپایی، معمار داخلی عموماً عهده‌دار کارهایی است که در آمریکای شمالی با نام طراحی داخلی شناخته می‌شود. اما در میان کشورهای اروپایی نیز عدم وحدت رویه مسئله را وخیم‌تر کرده است. مثلاً در آلمان این حرفه معماری داخلی نامیده می‌شود، نه طراحی داخلی؛ و این معماران داخلی هستند که به عنوان عضوی از کنگرهٔ معماران امکان ثبت نام برای اخذ گواهی کار دارند. لازمهٔ پذیرش این است که دوره‌های آموزشی و تجربی مربوط را طی کرده باشند. در مقابل در انگلستان، طراح داخلی قادر به ثبت نام به عنوان معمار نیست و در آنجا طراحان داخلی از لحاظ اداری قابل تشخیص نیستند. در کشورهای آسیایی نیز وحدت رویه‌ای وجود ندارد. در ایران، نظام دانشگاهی عنوان معماری داخلی را مناسب دانسته است، حال آنکه در کشورهای آسیای شرقی عنوان طراحی داخلی محبوب‌تر بوده است. در دانشگاه‌های استرالیا نیز توافقی وجود ندارد و حدود نیمی از آنها عنوان معماری داخلی و بقیه عنوان طراحی داخلی را در نظر گرفته‌اند و این دو را معادل یکدیگر می‌دانند. بنابراین رویکرد این گروه، یعنی هم‌سان پنداشتن دو عنوان و در نتیجه، به‌کارگیری هر دو بسته به توافقی یا قرارداد هر کشور یا هر نظام آموزشی و حرفه‌ای و یا حتی هر شخص، سبب سردرگمی و پیچیدگی در واژگان این حوزه شده است و امری آسیب‌زا برای این تخصص است.

از سوی دیگر، دیدگاه سوم موجود در این باره، دیدگاهی است که اساساً مشروعیت معماری داخلی را به پرسش می‌گذارد و آن را تهدیدی برای موقعیت حرفه‌ای و دانشگاهی طراحی داخلی می‌داند. صاحب‌نظران این دسته

معتقدند به کارگیری «معماری داخلی» ابهام‌آور و گیج‌کننده است، چرا که تمایزی کافی بین این عنوان با طراحی داخلی وجود ندارد، و آنقدر مرزهای بین این دو عنوان باریک و ناچیز است که بهتر است به جای به کارگیری دو عنوان تقریباً مشابه، تنها یک عنوان که آن طراحی داخلی است، به کار گرفته شود. تا این جا که استفاده از دو این عنوان، فارغ از یکی دانستن یا متمایز دانستن، سبب آسیب به این حوزه شده است، به نظر درست می‌آید. اما این گروه از میان این دو عنوان، «طراحی داخلی» را شایسته‌تر می‌دانند و سعی بر کنار گذاشتن «معماری داخلی دارند». استدلال این متخصصان مختلف است؛ برخی به دلیل اینکه «طراحی داخلی» زودتر شکل گرفته است و جا افتاده است، آن را شایسته‌تر می‌دانند، برخی به دلیل گذشته این تخصص که یک بار تغییر عنوان از «دکوراسیون داخلی» به «طراحی داخلی» را تجربه کرده است، تغییر عنوان مجدد را جایز نمی‌دانند و آن را سبب تحقیر این تخصص می‌دانند، برخی دیگر نیز عنوان معماری داخلی را به علت جدا نشدنی بودن آن از معماری مناسب این تخصص نمی‌دانند و معتقدند با این عنوان آزادی‌های این تخصص از بین می‌رود.

دسته	عنوان دیدگاه	موضع دیدگاه	صاحب‌نظران و انجمن‌های حامی دیدگاه
دسته اول	طراحی داخلی و معماری داخلی، به مثابه دو امر متمایز	پذیرش هر دو عنوان تمایز معانی و کارکردهای دو عنوان	بخش آموزش مؤسسه علوم آموزشی ایالات متحده آمریکا (United States Department of Education Institute of Education Sciences) فرانز هی (Frazer Hay) گرم بروکر و سالی استون (Graeme Brooker and Sally Stone) هنری هیلدبراند (Henry Hildebrandt)
دسته دوم	طراحی داخلی و معماری داخلی، به مثابه دو امر یکسان	پذیرش هر دو عنوان همسانی تبارف و کارکردهای دو عنوان	مرکز اروپایی توسعه آموزش حرفه‌ای (European Centre for the Development of Vocational Training) رده‌بندی استاندارد بین‌المللی آموزش (ISCED - International Standard Classification of Education) اتحادیه بین‌المللی طراحان / معماران داخلی (IFI-International Federation of Interior Architects/Designers)
دسته سوم	معماری داخلی به مثابه تهدیدی برای طراحی داخلی	عدم پذیرش عنوان معماری داخلی پذیرش عنوان طراحی داخلی	براک کپتان (Burak Kaptan) ریموند کوئیک (Raymund Köniq) سانشی کان (Shashi Caan) الیسون کارل وایت (Allison Carl White)

جدول ۴. دسته‌بندی سه دیدگاه رایج درباره نسبت طراحی داخلی و معماری داخلی، با ذکر مواضع و صاحب‌نظران هر یک (منبع: نگارنده)

گفتیم بخش اول دیدگاه گروه سوم که معتقد به استخدام یکی از دو عنوان «معماری داخلی» یا «طراحی داخلی» هستند، دیدگاهی درست است؛ چرا که چه باور گروه اول که معماری داخلی و طراحی داخلی را یکی نمی‌دانند، و چه اعتقاد گروه دوم که معماری داخلی و طراحی داخلی را یکی می‌پندارند، سبب آسیب به این تخصص شده است. راه‌حل درست این است که از میان یکی از این دو عنوان، یک عنوان انتخاب شود و بر آن توافقی بین‌المللی صورت بگیرد.

گروه سوم که باور داشتند عنوان طراحی داخلی مناسب‌تر است، چند استدلال داشتند؛ یکی این که طراحی داخلی، چند دهه زودتر شکل گرفته است و در نتیجه قدمت بیشتر آن دال بر صلاحیت بیشتر آن است. اما این سؤال مطرح می‌شود، اکنون که در شرایطی چنین آشفته هستیم که در هر کشور یا هر انجمن حرفه‌ای یا نظام دانشگاهی یا حتی هر شخص بر طبق صلاح دید خود از یکی از این دو عنوان استفاده می‌کند، آیا اهمیتی دارد که کدام زودتر شکل گرفته است؟ یا مهم این است که به راستی کدام یک شایستگی بیشتری دارد؟ مسئله دیگری که این گروه داشتند نگرانی از بی‌اعتبار شدن این تخصص به سبب تغییر عنوان دوباره بود. اما آیا مگر «دکوراسیون داخلی» به «طراحی داخلی» تغییر عنوان داد؟ در مقدمه این مقاله به این امر پرداختیم که ظهور طراحی داخلی سبب محدودتر شدن حوزه دکوراسیون داخلی و محول‌سازی بخشی از حرفه دکوراسیون داخلی به طراحی داخلی شد اما دکوراسیون داخلی را از بین نبرد، همان‌طور که تا به امروز نیز این حرفه ادامه فعالیت داده است. در واقع، اصلاً دکوراسیون داخلی و طراحی داخلی آنقدر با یکدیگر متمایز هستند که نمی‌توان صحبت از تغییر عنوان کرد. تغییر عنوان مربوط به دو امر یکسان است نه متفاوت. استدلال دیگر این گروه این بود که عنوان «معماری داخلی» باعث محدود کردن این تخصص می‌شود. شاید از نظر این افراد معماری داخلی یعنی، داخل یک معماری. اما اگر عمیق‌تر به این امر نگاه کنیم متوجه می‌شویم حتی وقتی صحبت از فضای داخلی شهری می‌کنیم، از معماری دور نیستیم و هم‌چنان ماهیت کار همان

معماری کردن است. هم‌چنین این گروه باور داشتند که شکل‌گیری معماری داخلی به منظور اعتباربخشی به طراحی داخلی بوده است، اما در اینجا نقل قولی از کتریچ و ایکن، نویسندگان کتاب معماری داخلی را مرور می‌کنیم، کتابی که برای اولین بار عنوان معماری داخلی را به طور رسمی به کار می‌گیرد. در مقدمه کتاب فوق نویسندگان اذعان می‌کنند:

در دهه ۱۹۷۰، برخی از دفاتر پیشرو به استفاده از اصطلاح معماری داخلی مبادرت ورزیدند. آنها فکر می‌کردند در آن زمان هیچ اصطلاحی قادر به توصیف کیفیت خاص کار آنها نیست. آنها احساس کردند لازم است بین خودشان و کار متداول معماری تمایز به وجود آید. هم‌چنین آنها هیچ پیمان یا عهدهی محکم بین خود و دفاتر دکوراسیون یا طراحی داخلی قدیمی نمی‌دیدند. به‌طور هم‌زمان تعدادی از مدارس طراحی پیشرو این اصطلاح را معرفی کردند تا بر پیوند و پیمان آن با تفکر معماری تأکید کنند. بسیاری از برنامه‌های طراحی داخلی بخشی از دپارتمان اقتصاد خانه بودند، که سبک و دکوراسیون را به عنوان مکملی برای کلاس‌های خانه‌داری آموزش می‌دادند. این رویکرد نیازهای شغل‌محور دانشجویان را اقلان نمی‌کرد. تأکیدی حرفه‌ای برای تقاضاهای نوظهور زیر پرچم «معماری داخلی» شکل گرفت.

در این‌جا، سخن از پیوند و پیمان معماری داخلی و معماری است؛ یعنی نه به‌خاطر اعتباربخشی که به قول آنها مدارس طراحی به منظور ماهیت مشترک میان معماری و این تخصص است که به عنوان معماری داخلی روی می‌آورند. نکته‌ای که لازم است به آن توجه کنیم این است که اگر «طراحی داخلی» عنوانی موفق بود، شاید هیچ‌گاه نیاز به شکل‌گیری «معماری داخلی» ایجاد نمی‌شد و در نتیجه جدال حاضر بین این دو عنوان وجود نمی‌داشت. بنابراین نمی‌توانیم نسبت به این جدال و علت‌های آن بدون تعمق کافی گذر کنیم.

نتیجه‌گیری

در این مقاله، به بررسی و تحلیل نسبت میان معماری داخلی و طراحی داخلی پرداختیم. ابتدا تلاش کردیم با بررسی آراء صاحب‌نظران، تعاریف انجمن‌های حرفه‌ای، و مجامع دانشگاهی به این امر بپردازیم که در به‌کارگیری دو عنوان مذکور چه دیدگاه‌هایی وجود دارد. به‌طور کل سه دیدگاه وجود دارد: دیدگاهی که این دو عنوان را متمایز می‌پندارد، دیدگاهی که این دو را معادل می‌داند و دیدگاه سوم که صرفاً به‌کارگیری عنوان طراحی داخلی را مجاز می‌شمارد. با این بررسی به این نتیجه رسیدیم که در به‌کارگیری این دو عنوان اجماع نظری وجود ندارد و سه دسته آراء متفاوت موجود است. این امر سبب آشفتگی و سردرگمی در این حوزه شده است.

به منظور اینکه این آشفتگی و ابهام را دقیق‌تر فهم کنیم تا بتوانیم راه‌حلی برای برطرف نمودن آن پیشنهاد دهیم، تلاش کردیم دیدگاه‌های مذکور را تحلیل کنیم و استدلال‌های به‌کارگرفته در آن را صحت‌سنجی کنیم. در این بررسی متوجه شدیم دیدگاه سوم که معماری داخلی را امری آسیب‌رسان می‌پندارد و فقط به‌کارگیری عنوان طراحی داخلی را مجاز می‌شمارد، دارای استدلال‌هایی است که با توجه به موقعیت امروز معماری داخلی و طراحی داخلی می‌توانند به پرسش گرفته شوند. از سوی دیگر، با توجه به دیدگاه‌های موجود به نظر می‌رسد عمده آراء این دو عنوان را معادل می‌پندارند، گروه دوم این باور را به وضوح بیان می‌کنند، گروه سوم نیز به‌طور ضمنی به این امر معتقدند و بنا بر همین باور به استخدام یکی از این دو عنوان اعتقاد دارند. در نتیجه می‌توانیم بگوییم امروز، معادل پنداشتن این دو عنوان از گستره بیشتری برخوردار است. این امر به‌گونه‌ای است که به‌کارگیری هر یک از این دو عنوان خصوصاً در نظام‌های دانشگاهی کشورهای مختلف امری قراردادی و توافقی شده است. بنابراین از این پژوهش این نتیجه حاصل می‌شود که تفاوت میان معماری داخلی و طراحی داخلی، عمدتاً تفاوتی اسمی است تا ماهوی و این دو عنوان را می‌توانیم معادل یکدیگر بدانیم.

حال اگر این دو عنوان را معادل پنداریم این پرسش پیش می‌آید که آیا بهتر نیست فقط یکی از آنها استفاده شود، در این صورت کدام عنوان قابلیت بیشتری دارد. پاسخ به این پرسش ضرورت هم‌اندیشی بین‌المللی در این باره را ایجاد کرده است. اتخاذ یک تصمیم جامع درباره چیسستی و چگونگی معماری داخلی و طراحی داخلی که ملاک عمل تمامی سازمان‌های حرفه‌ای و نظام‌های آموزشی باشد، می‌تواند به شفاف‌سازی تعاریف، کارکردها و جایگاه این دو

عنوان کمک بنماید. این پرسش می‌تواند در پژوهشی دیگر به تفصیل تحلیل و بررسی شود. در این پژوهش تلاش کردیم با مروری بر جایگاه کنونی معماری داخلی و طراحی داخلی در حرفه و آموزش، و مطرح کردن آراء و دیدگاه‌های موجود دربارهٔ تمایز یا یکسان بودن این دو عنوان، ضمن شناخت موقعیت کنونی معماری داخلی و طراحی داخلی، مسائل موجود در به‌کارگیری این دو عنوان را روشن سازیم. امید است این پژوهش بتواند گامی آغازین در طی مسیری باشد که به اعتلای جایگاه حوزهٔ معماری داخلی/طراحی داخلی کمک نماید.

پی‌نوشت‌ها

۱. (دربندی، ایمانی و رحیم‌زاده، تأملی در خاستگاه و چگونگی شکل‌گیری «دکوراسیون داخلی»، «طراحی داخلی»، و «معماری داخلی»).
2. Total Work of Art
۳. (دربندی، ایمانی و رحیم‌زاده، تأملی در خاستگاه و چگونگی شکل‌گیری «دکوراسیون داخلی»، «طراحی داخلی»، و «معماری داخلی»، صص. ۴۳-۴۵).
4. (Darbandi, Imani & Rahimzadeh, The emergence of interior architecture, pp. 256-260).
5. United States Department of Education Institute of Education Sciences
۶. تعریف ذیل «معماری و خدمات مرتبط» در ۲۰۰۲ <http://nces.ed.gov/pubscip/ciplist90/cip2000/>
۷. تعریف ذیل «هنرهای تجسمی و نمایشی» در ۲۰۰۲ <http://nces.ed.gov/pubscip/ciplist.asp?cip2000/> ۵۰=CIP۲
8. American Society of Interior Designers
9. (kaptan, Interior architecture and interior design: Two concepts, one profession, p. 1937).
10. Inter-space designers
11. National Council for Interior Design Qualification
12. National Council of Architectural Registration boards
13. (White, What`s in an name? Interior design and/or interior architecture: The discussion continues, pp. xi-xii).
14. Hay
15. (Hay, Interior Architecture).
16. Graeme Brooker
17. Sally Stone
18. (Brooker & Stone, From Organization to Decoration, p. 126).
19. Henry Hildebrandt
20. The gaps between interior design and architecture
21. (Hildebrandt, The gaps between interior design and architecture).
22. (Hildebrandt, The gaps between interior design and architecture).
23. European Centre for the Development of Vocational Training
24. (Andersson & Olsson, Fields of Education and Training Manual).
25. International Standard Classification of Education
26. (kaptan, Interior Architecture and Interior Design: Two concepts, one profession, p. 1939).
27. (ISCED`13, 2015, 37 & 61).

28. (Königk, The embarrassment over Decoration. Arguing against title change – The case of ‘Interior Design’: ‘Interior Architecture’, p. 12).
29. (IFI, 2021).
30. (kaptan, Interior Architecture and Interior Design: Two concepts, one profession, p. 1940).
31. Interior architecture/design
32. Burak Kaptan
33. An Interior Architecture/Design Education Model within the Scope of New Approaches
34. (Kaptan, 2016).
35. Interior Architecture and Interior Design: Two Concepts, One Profession
36. (kaptan, Interior Architecture and Interior Design: Two concepts, one profession).
37. [un]disciplined
38. (Cys, [un]disciplined, p. 25).
39. (Brooker and Weinthal, The Handbook of Interior Architecture and Design).
40. (kaptan, Interior Architecture and Interior Design: Two concepts, one profession, p. 1940).
41. (Leydecker, Designing Interior Architecture: Concept, Typology, Material, Construction, p. 17).
42. Shashi Caan
۴۳. (کان، بازاندیشی در طراحی و فضاهای داخلی: انسان در محیط مصنوع، ص. ۱۰۸)
44. Burak Kaptan
45. Interior Architecture and Interior Design: Two Concepts, One Profession
46. (kaptan, Interior Architecture and Interior Design: Two concepts, one profession, p. 1940).
47. Raymund Königk
48. The Embarrassment Over Decoration. Arguing Against Title Change – The Case of ‘Interior Design’: ‘Interior Architecture’
49. (Königk, The embarrassment over Decoration. Arguing against title change – The case of ‘Interior Design’: ‘Interior Architecture’).
50. (Königk, The embarrassment over Decoration. Arguing against title change – The case of ‘Interior Design’: ‘Interior Architecture’, p. 9).
51. Lucinda Kaukas Havenhand
52. A View from the Margin: Interior Design
- Stefano, Dilemmas of Difference: Feminism, Modernity, and) به (Postmodernism, Feminism and Postmodernism
۵۳. برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به
۵۴. در زمینه نسبت طراحی داخلی با فمینیسم، مانلی زرنندیان پایان‌نامه‌ای با عنوان «فمینیسم و طراحی داخلی در دهه ۱۹۶۰» نوشته است که در آن به جنبش‌های فمینیسم، زنان دکوراتور، مجلاتی که در زمینه دکوراسیون بوده‌اند، پرداخته‌است و نسبت آنها را با یکدیگر بررسی کرده است. (Zarandian, Feminism and interior design in the ۱۹۶۰s)
55. (Havenhand, A View from the Margin: Interior Design, pp.35-36).

56. Suzie Attiwill
57. Urban interior
58. (Attiwill, Towards an interior history).
59. (Martin, Rebuttal of the report by the Institute of justice entitled Designing cartels: How industry insiders cut out competition).
60. (Edwards, Interior design: A critical introduction, p. 2).
61. (Leydecker, Designing Interior Architecture: Concept, Typology, Material, Construction, p. 17).
62. (Wild, Interior design identity as practiced, p. 35).
63. (Kutrich and Eakin, Interior Architecture, p. 3).

منابع

فارسی

۱. دربندی، مریم؛ ایمانی، نادیه؛ رحیم‌زاده، محمدرضا (۱۴۰۱). تأملی در خاستگاه و چگونگی شکل‌گیری «دکوراسیون داخلی»، «طراحی داخلی»، و «معماری داخلی»، نشریه هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی، ۲۷ (۴)، ۳۹-۵۰.
۲. کان، ساشی (۱۳۹۹). بازاندیشی در طراحی و فضاهای داخلی: انسان در محیط مصنوع، ترجمه محمد رضایی، انتشارات کسری، تهران.

لاتین

3. Andersson, R. and Olsson, A. (1999). *Fields of education and training manual*, The European centre for the development of vocational training, Sweden.
4. Attiwill, S. (2004). Towards an interior history. *IDEA Journal*, 5(1), 1-8.
5. Brooker, G. and Stone, S. (2013). *From organization to decoration*, Routledge, New York.
6. Brooker, G and Weinthal, L (2013). *The Handbook of Interior Architecture and Design*, London: Bloomsbury Academic.
7. Cys, J. (2006), [un]disciplined, *IDEA: Interior Design | Interior Architecture Educators Association*, 14-25.
8. Darbandi, M. and Imani, N. and Rahimzadeh, M. (2023). The emergence of interior architecture, *Interiority*, 6(2), 249-266.
9. Edwards, C. (2011). *Interior design: A critical introduction*, Berg, New York.
10. Havenhand, L. K. (2004). A View from the Margin: Interior Design, *Design Issues*, 20 (4), 32-42.
11. Hay, F. (2007). Interior architecture, In J. Gigli, F. Hay, E. Hollis, A. Milligan, A. Milton and D. Plunkett (eds.). *Thinking inside the box: A reader in interiors for the 21st century*, Middlesex University Press, London, 33-42.
12. Hildebrandt, H. (2004). The gaps between interior design and architecture, *Design Intelligence*, 15 March, 1-4.
13. ISCED`11 (2012). *Unesco international standard classification of education*, Unesco Institute for Statistics, Montreal.
14. ISCED`13 (2015). *International standard classification of education: Fields of education and*

training 2013- Detailed field description, Unesco Institute for statistics, Montreal.

15. IFI, 2021, International Federation of Interior Architect, Designers. http://www.ifiworld.org/#Definition_of_IA/D
16. Kaptan, B. B. (2014). Interior architecture and interior design: Two concepts, one profession, *World Applied Sciences Journal*, 32 (9), 1935-1941.
17. Königk, R. (2011). The embarrassment over Decoration. Arguing against title change – The case of 'Interior Design': 'Interior Architecture', IDA Congress Education Conference.
18. Kurtich, J. and Eakin, G. (1993). *Interior Architecture*. New York: Van Nostrand Reinhold.
19. Leydecker, S. (2013). *Designing interior architecture: Concept, typology, material*, construction, Birkhäuser Basel, Switzerland.
20. Martin, C. S. (2008). Rebuttal of the report by the Institute of justice entitled Designing cartels: How industry insiders cut out competition. *Journal of Interior Design*, 33(3), 1-49.
21. NCES (2021), U.S. Department of education institute of education sciences national center for education statistics. <http://nces.ed.gov/pubs2002/cip2000/ciplist.asp?CIP2=04>
22. Stefano, C. (1990). Dilemmas of Difference: Feminism, Modernity, and Postmodernism, *Feminism and Postmodernism*, London: Routledge.
23. White, A. C. (2009). What's in an name? Interior design and/or interior architecture: The discussion continues. *Journal of Interior Design*, 35(1), x-xviii.
24. Wild, P. (2019). Interior design identity as practiced, *Ph.D. Diss.*, School of Design, Creative Industries Faculty Queensland University of Technology.
25. Zarandian, M. (2015). Feminism and interior design in the 1960s, *master thesis in Architecture*, Lincoln: University of Nebraska.



پرو. شہدائے گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

“Interior Architecture” or “Interior Design”; Nominal or intrinsic difference?*

Maryam Darbandi¹

Nadieh Imani²

Mohammadreza Rahimzadeh³

Abstract

"Interior architecture" and "interior design" are two titles that refer to the knowledge or profession that deals with the arrangement of interior spaces. The use of name "interior design" is about a century old, but only some decades have passed since the appearance of the name "interior architecture". Today, both of these titles are used both in the field of knowledge and in the profession. The purpose of this article is to address the relationship between interior architecture and interior design. To achieve this goal, the existing definitions of these two have been compared, and by analyzing the similarities and differences between interior design and interior architecture, the nominal or intrinsic difference between these two names has been examined. In the end, the pathology of using these two names has been discussed. The type of this research is qualitative and its method is analytical and interpretive. From this research, it has been concluded that It can be said that there are three types of opinions or three types of approaches regarding the relationship between interior architecture and interior design. The first group is the group that believes in distinguishing interior design and interior architecture. In the definitions provided by this category, interior architecture has a distinct meaning and function from interior design. As a result, the experts of this group, in addition to confirming the legitimacy of interior architecture, have given it an independent identity. The second group of opinions in this regard is related to the group that considers interior design and architecture to be the same. This group does not deny the legitimacy of interior architecture, but they believe that there is no distinction between interior architecture and interior design as if interior architecture was a title that had the desire to replace interior design in order to validate interior design, but it was not successful. As a result, both titles are used today. Therefore, the application of each of these two titles is based on an agreement that is different in different countries, and this matter has an agreement or contractual aspect. The third point of view in this regard is an approach that fundamentally questions the legitimacy of interior architecture and considers it a threat to the professional and academic position of interior design. The experts of this category believe that using the title interior architecture is ambiguous and confusing, because there is not enough distinction between this title and interior design. Considering the above conditions, it is necessary to form a consensus council and make a comprehensive and international decision to explain the definitions and functions of these two titles, which will be the benchmark for the actions of all professional organizations and educational centers; This can help to resolve the existing confusion and raise the status of this area.

Keyword: Interior Design, Interior Architecture, Differentiation, Definition, Comparison

1. Ph.D. of Architecture, School of Architecture and Urban Planning, University of Art, Tehran, Iran.

2. Associate Professor, Department of Architecture, Faculty of Architecture and Urban Planning, University of Art, Tehran, Iran (corresponding author)

Email: imani@art.ac.ir

3. Assistant Professor of Architecture, School of Architecture and Urban Planning, University of Art, Tehran, Iran.

* This article is extracted from the first author's doctoral dissertation, entitled: "Theoretical Foundations of Interior Architecture" under the supervision of the second and third authors at the University of Art.